

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

اشعار لاهوتی
فرستنده: جاوید
۲۷ فبروری ۲۰۱۹

[گفت آمین دل من]

ز دستت، گرچه شد خونین دل من
ز راه عشق هرگز بر نگرده
چو رویت روشن است و صاف و ساده
ز مسجد رانده، از میخانه مانده
دلسم را اینقدر مقشار، آخر
رُخت را دید و خود را زد به آتش
جهانی را بسوزاند به آهی
شب هجرتو، در بیدار ماندن
من و پروانه، در حق تو و شمع
وفا دارد، نشد غمگین دل من
نمی خواهد شود ننگین دل من
چو خلقت، مصلح و بی کین، دل من
نه دنیا دارد و نی دین، دل من
نه سربین است و نی روئین، دل من
عجب دیوانه ای بود این دل من!
تو پنداری بود مسکین، دل من؟
رقابت داشت با پروین، دل من
دعا گفتیم و گفت آمین دل من.

ستانبول، اپریل ۱۹۱۸